



دکتر مهدی امینیان

پژوهشگر و تحلیلگر فرهنگ و سیاست آمریکایی
همکار در اندیشکده مطالعات آمریکا

یادداشت تحلیلی

رهبری جهان یا راهبری تخریب همه جانبه

تلاش برای ساخت بمب اتم بود و آمریکایی‌ها باید زودتر بدان دست می‌یافتند تا جلوی نابودی بشر را بگیرند؛ اما نکته اینجا است که اساساً هیتلر و لشکر ژرمن‌ها نه با بمب اتم، بلکه با جان‌فشانی سربازان پرشمار انگلیسی و فرانسوی که هزینه خودخواهی مقامات استعمارگر اروپایی را می‌دادند، مهار شد و برلین را واگذار کرد.

از سال ۱۹۳۹ که فرانکلین روزولت یک کمیته ویژه برای کار بر روی انرژی مخرب اتم تشکیل داد تاکنون، صدها و بلکه هزاران دانشمند که قرار بود عمر خود را صرف بهبود زندگی بشر کنند، سال‌ها برای تولید بمب اتم وقت گذاشتند و هرگاه به دستاوردی رسیدند، باز برای تولید نسل جدیدتری از آن، سرمایه‌گذاری کردند و این تسلسل باطل نه فقط در آمریکا، بلکه در چند کشور دیگر نیز تکرار شده است و پایانی هم ندارد. خاک و خاکستری که ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ در صحرائی نزدیک نیومکزیکو با آزمایش اولین بمب اتمی تا ۴۰ هزار پا به هوا پرتاب

نیست^۱. براین اساس، هرگاه دولتی بخواهد پای خود را از گلیمش درازتر کند و در کشورهایی که استقلال خود را بر تبعیت از آن دولت ترجیح می‌دهند، سلطه پیدا کند، گزینه‌ای جز به‌کارگیری خشونت نخواهد داشت. این وضعیتی است که در رقابت دو بلوک شرق و غرب طی جنگ سرد، شکل گرفت که نتیجه آن، اوج‌گیری رقابت تسلیحاتی بود، چون تسلیحات، مهم‌ترین ابزار اعمال خشونت میان دولت‌ها بوده است.

اولین نشانه رقابت تسلیحاتی، دستیابی ایالات متحده به بمب اتم بود. تا آن زمان هواپیماهای جنگی و پیش از آن، کشتی‌های مجهز به توپ، اثرگذارترین نوع سلاح در نبرد دولت‌ها بود؛ اما با پیشرفت پروژه منهن ساینر قدرت‌های جهانی به سمت رقابت در تولید تسلیحات جدید سوق یافتند. توجیه واشننگتن در تولید این سلاح مخرب - که برای اولین بار در تاریخ جهان، قادر به نابودی کل کره زمین است - این بود که حکومت هیتلری رایش سوم در

مهم‌ترین عامل شکل‌دهی به روندهای نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم را باید تغییر رویکرد انزواطلبانه ایالات متحده در قبال مسائل جهانی و تلاش واشننگتن برای گسترش سلطه پیشین خود بر منطقه محدود آمریکای لاتین، به تمام مناطق جهان دانست. این سلطه بلافاصله با مقاومت‌هایی همراه شد اما فاتح برلین، هیچ ابایی از تحمیل خشونت‌آمیز سلیقه خود نداشت. اینکه چگونه رقابت در این دوره بر سر تشکیل امپراتوری آینده از ابتدا، بیمار زاده شد و تاکنون حوزه‌های مختلفی از زندگی بشر را به تباهی کشیده، موضوع یادداشت حاضر است.

خشونت در آن نقطه زمانی و مکانی بکار گرفته می‌شود که قدرت پایان می‌یابد، یعنی زمانی که فرد الف قصد اعمال نظر خود بر فرد ب را دارد اما فرد ب با این مسئله هم‌دل

شد، بر سر تمام بشریت نشست و بدیهی است تا زمانی که هنوز ایالات متحده ابر سلطه‌گر جهان است، هیچ دستی را یارای تکان دادن آن نیست.

با آغاز سلطه آمریکا بر بلوک غرب در اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی و سپس تسری و ویروس مانند آن به مناطق دیگر، به ویژه پس از فروپاشی شوروی در پایان دهه ۱۹۸۰، امواج مختلفی از تخریب زمین و زندگی بشر از واشنگتن به سراسر جهان منتشر شده است که تولید بمب اتم و شکل‌گیری رقابت تسلیحاتی، تنها اولین مورد آن بود:

- راه‌اندازی جنگ در نقاط مختلف جهان به صورت مستقیم یا نیابتی؛
- کودتا علیه دولت‌های متعدد که رویکرد غیر غربی داشتند؛
- به‌کارگیری سازمان‌های اقتصادی برای وام‌دار کردن دولت‌ها و هضم آن در اقتصاد غرب؛
- تحریف اهداف سازمان‌های بین‌المللی و جلوگیری از عملی شدن آرمان آن به نفع بشر؛
- تحقیر ملت‌ها و شکنجه آن‌ها به ویژه در ویتنام، عراق و ...؛
- تقویت نیروهای گریز از مرکز در غرب و شرق آسیا برای جلوگیری از شکل‌گیری یک اتحاد غیر غربی؛
- حمایت از گسترش نفوذ صهیونیسم در نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای متعدد؛

- تبدیل شدن به بزرگ‌ترین منبع تولید و صدور هرزه‌نگاری؛
- و در نهایت، بی‌مسئولیتی در قبال تغییرات اقلیمی در جهان. چنین راهبرو این الگوی راهبری اگر همه جهان را به کام نابودی نکشد، دست‌کم خودش را نابود خواهد کرد. این موضوع را فرید زکریا در فارن افرز تأیید کرده و در یادداشتی تحت عنوان «خود نابودی قدرت آمریکا: واشنگتن فرصت تک قطبی را هدر داد»، نوشته است: «عصر سلطه آمریکا کوتاه بود و پراز اتفاق، ... پایان آن یا در واقع آغازی بر پایان آن، نوعی فروپاشی بود یعنی جنگ عراق در ۲۰۰۳ و شکست تدریجی پس از آن شروع شد»^۳.
- بسیاری از چالش‌های کنونی و تهدیدات آینده بشر به دلیل پویایی و تسری آن میان ملت‌ها، جز با همکاری دولت‌های متعدد قابل حل نیست. نمونه آن صنعت شوم هرزه‌نگاری است که هرگاه دولتی بر تولیدکنندگان آن سختگیری کند، آن‌ها به کشوری دیگر مهاجرت می‌کنند. این مسائل بین‌المللی در شرایطی که ایالات متحده بیشترین اعمال سلطه را در سراسر جهان انجام می‌دهد، بدون همکاری واشنگتن به گونه‌ای راضی‌کننده و قابل حل نیست و این در شرایطی است که ایالات متحده نه تنها در رفع این چالش‌ها همکاری نمی‌کند، بلکه خود چوب لای چرخ هر دولتی می‌گذارد که کار مثبتی در این زمینه

انجام می‌دهد و گاهی از آن هم فاجعه‌بارتر، خودش منبع اصلی تولید آن چالش می‌شود.

به موضوع تغییرات اقلیمی در جهان نگاه کنید؛ ایالات متحده و چین، دو منبع عمده تقویت عوامل تغییرات اقلیمی از جمله انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند که قرار بود به صورت دوره‌ای در مورد اقدامات خود در راستای مقابله با تغییر رویه‌ها و مقابله با عوامل تشدید تغییرات اقلیمی گزارش دهند، اما ایالات متحده با این ادعا که توافق آب و هوایی پاریس یک ترفند چینی برای کاهش رشد اقتصادی کشورهای غربی است، از آن توافق خارج شد. واشنگتن، اگر واقعاً در نگرانی خود صادق است، می‌توانست با استفاده از اهرم‌های مختلفی که در اختیار دارد، خواهان استقرار یک نظام راستی‌آزمایی گزارش‌های دوره‌ای پکن شود.

نتیجه اینکه تنها در دولت کنونی آمریکا، تصمیمات متعددی دقیقاً برخلاف رویکرد حفاظت از محیط‌زیست اتخاذ شد^۴:

- برداشتن ممنوعیت‌هایی که بعد از انتشار نفت در خلیج مکزیک بر اثر حفاری‌های شرکت بریتیش پترولیوم^۵ بر این گونه حفاری‌های برون مرزی قرار داده شده بود. در آن اتفاق، ۱۱ نفر جان باختند و ۲۰۰ میلیون گالن نفت به دریا سرازیر شد؛

- تعیین دیوید برنهرد^۲ لابی‌گر شرکت‌های نفتی و گازی به عنوان وزیر کشور و تأیید آن در سنا با ۵۶ رأی مثبت؛
- تعیین اندرو ویلر^۳ لابی‌گر صنایع زغال سنگ به عنوان رئیس جدید آژانس حفاظت از محیط زیست؛
- چراغ سبز به تغییر بند ۴۰۱ از «قانون آب پاک» که شرکت‌های نفتی را برای لوله‌کشی ملزم به اخذ مجوزهای دولتی می‌کند تا امکان آلوده سازی آب در پروژه آن‌ها بررسی شود؛
- صدور مجوز پروژه «کی استون ایکس ال» که پیش‌تر توسط یک قاضی در مونتانا به دلیل عدم بررسی‌های زیست‌محیطی تعلیق شده بود. با تکمیل این پروژه در آب‌های آمریکای شمالی، قرار است ۸۰۰ هزار بشکه نفت از غرب کانادا به ایالات متحده منتقل شود؛
- فدراسیون ملی حیات وحش آمریکا اعلام کرد، ۸ میلیون هکتار از زیستگاه یک پرونده در آمریکا^۴ بر اثر پروژه‌های جدیدی که دولت آمریکا به آن‌ها مجوز داده، در جایگاه خطر قرار گرفته است؛
- دستور اجرایی ترامپ برای قطع هزاران درخت به این بهانه که درختان خشک، موجب گسترش آتش‌سوزی در جنگل‌های آمریکا می‌شود؛

- سازمان «شاغلان دولتی مسئولیت محیط زیستی»^۵ در گزارشی اعلام کرد، میزان پیگردهای قانونی علیه تخریب گران محیط زیست در دولت کنونی آمریکا به کمترین حد آن در ۳۰ سال گذشته رسیده است؛
 - اعلام لغو برخی محدودیت‌های قانونی بر میزان تولید گازهای گلخانه‌ای در نیروگاه‌های حرارتی که از زغال سنگ استفاده می‌کنند؛
 - نشان دادن چراغ سبز به شرکت‌های نفتی و گازی برای ایجاد انفجارها زیر آب، برای اکتشاف مخازن انرژی که می‌تواند زندگی آبزیان را مختل کند؛
 - صدور مجوز برای شرکت هیلکرب^۶ از سوی دفتر مدیریت انرژی فرامرزی برای حفاری در جزایر مصنوعی دریای بیتفورت، پس از کشاکش‌های جنجالی بر سر صدمات این پروژه برای محیط زیست منطقه.
- این فهرست بلند و بالا که تمامی ندارد، فقط نتایج رویکرد مخرب آمریکا بر محیط زیست در آن کشور است. در حالی که ایالات متحده در حال تضعیف روندهای آغاز شده برای حفاظت از محیط زیست در سایر مناطق جهان نیز است. برای مثال، بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی و گازی جهان، آمریکایی هستند

اما همین شرکت‌ها گسترده‌ترین همکاری‌ها با شرکت‌های گازی و نفتی اروپایی را دارند و صدور مجوزهای مخرب برای شرکت‌های آمریکایی، رقبای غیر آمریکایی را برای کسب امتیازات مشابه و عقب‌نماندن در رقابت اقتصادی به تکاپومی اندازد.

فهم این اقدامات ضد محیط زیستی تنها با قرار دادن آن در منظومه سیاست‌های جهانی ایالات متحده قابل فهم است؛ سیاست‌هایی که هرگاه در دوراهی حفظ منافع بلندمدت بشر و گسترش ابزارهای سلطه خشونت‌آمیز آمریکا قرار می‌گیرد، نمی‌تواند به دومی «نه» بگوید اما دقیقاً هر چه بیشتر به این ابزارها متوسل می‌شود، قدرت خود را نابود می‌کند. خشونت در آن نقطه زمانی و مکانی بکار گرفته می‌شود تا قدرت پایان می‌یابد

پی نوشت

۱. کتاب «خشونت» اثر هانا آرت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، انتشارات امیرکبیر.
2. <https://www.history.com/.amp/topics/world-war-ii/the-manhattan-project>
3. <https://www.foreignaffairs.com/articles/2019-06-11/self-destruction-american-power>
4. <https://www.nationalgeographic.com/news/2017/03/how-trump-is-changing-science-environment/>
5. British Petroleum (BP)
6. David Bernhardt
7. Andrew R. Wheeler
8. sage grouse
9. Public Employees for Environmental Responsibility (PEER)
10. Hilcorp